

## تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی اواخر حکومت امام علی علیه السلام بر روند صلح امام حسن علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح زاده \*

### مقدمه

شرایط پذیرش صلح نامه از سوی امام حسن علیه السلام در برابر معاویه یکی از رخدادهای پس از شهادت امام علی علیه السلام است که دقت در بازتاب این خبر و پیامدهای آن در جهان اسلام، به روشنی شرایط سیاسی و اجتماعی صلح را بیان می کند. اگر دنیای اسلام آن روز را به این چهار بخش تقسیم کنیم: قلمروی سرزمینی هوداران امام علیه السلام، قلمروی معاویه (شامات)، مناطق حضور مخالفان (مکه و بصره) و مناطق بی طرف (جزیره و مناطقی از ایران)؛ بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره و نگاه دقیق به رفتارهای چندگانه هر یک از قلمروها، نشان می دهد شرایط پذیرش صلح نامه از نظر سیاسی و اجتماعی هر حاکمی را ناگزیر از پذیرش صلح نامه می نمود. آنچه از نظر خواننده گرامی می گذرد، بررسی شرایط سیاسی - اجتماعی مناطق بزرگ اسلامی در آن دوران است.

### کوفه

هنگام جنگ صفین با فریب شامیان و سرکشی بخش عمده ای از یاران کوفی امام علیه السلام، ماجرای حکمیت شکل گرفت و به دنبال خود آثار مخربی بر جای نهاد. پس از اعلام نتایج حکمیت از سوی ابوموسی اشعری و عمروعاص مبنی بر کنار زدن امام علی علیه السلام از خلافت، این رخداد سبب اختلاف میان مردم شام و عراق شد. در یک سو شامیان معتقد بودند بر اساس نتیجه حکمیت، خلافت حق معاویه است؛<sup>۱</sup> زیرا ابوموسی اشعری در ماجرای حکمیت به منبر نشست

\* دکتری تاریخ اسلام.

۱. ابو حامد عبدالحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۱.

و در برابر مردم منتظر و مشتاق نظر داوران گفت: من به نمایندگی از مردم حجاز و عراق همین طور که این انگشتری ام را از دست خود خارج می‌کنم، علی را از خلافت برکنار می‌نمایم. سپس از منبر پایین آمد و عمروعاص به بالای منبر رفت، اعلام کرد: آنچه ابوموسی گفت شنیدید. او تنها حق برکناری علی را داشت و من هم او را در این مورد تأیید می‌کنم؛ اما من چنان‌که انگشتری ام را به دست می‌کنم، خلافت را به معاویه واگذار می‌نمایم؛ زیرا او افزون بر اینکه شایستگی این مقام را دارد، خون‌خواه عثمان نیز است. در این هنگام مجلس آشفته شد و ابوموسی از حيله عمروعاص برآشفته و خطاب به او گفت: ای حيله‌گر فاسق، تو چون سگی هستی که پارس می‌کند. عمروعاص هم در پاسخ گفت: تو همچون خری هستی که کتاب بارش کرده باشند.<sup>۱</sup> از این زمان به بعد اهل شام معاویه را امیرالمؤمنین خواندند<sup>۲</sup> و دیگر خلافت علی علیه السلام و بعدها امام حسن علیه السلام را نپذیرفتند.

کار چنان دچار آشفتگی شد که پس از چندی، معاویه به پشتوانه رأی حکمیت، به شهرهای مختلف قلمروی امام علی علیه السلام حمله کرد و دست به غارت و کشتار یاران علی علیه السلام زد. در این باره کتاب الغارات اثر ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (متوفای ۲۸۳ق) تصویری روشن از این حملات را به دست داده است. برای مثال در اولین غارت، معاویه به ضحاک بن قیس فهری دستور داد: تا نزدیکی کوفه برو و هر کجا عربی را دیدی که از علی فرمان می‌گیرد، بر او بتاز. ضحاک هم رفت و حتی کاروان‌های حج را که از سمت شهرهای تحت سلطه علی علیه السلام می‌آمدند، هم غارت کرد.<sup>۳</sup> این ناامنی بر مشکلات داخلی افزود و شرایط را دشوارتر کرد. امام علی علیه السلام خود نیز به همین موضوع در خطبه ۲۷ نهج البلاغه اشاره می‌نماید: «[ای کوفیان] لشکریان معاویه از هر سو بر شما تاخته و شما را غارت می‌کنند و [شما هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهید]». <sup>۴</sup> در مورد دیگری سفیان بن عوف از یاران معاویه با سواران خود به شهر انبار وارد گردید و حسان ابن حسان بکری [فرماندار علی علیه السلام در آنجا] را کشت و یکی از لشکریانش بر خانه یک زن مسلمان و یک زن غیرمسلمان وارد شد و همه طلاهای آنان را از دست و پایشان ربود؛ درحالی‌که زنان فقط با صدای بلند گریه می‌کردند.<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲. ابوالفرج اصفهانی، الأغاني، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳. ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۴۲۱.

۴. ابوحامد عبدالحمید بن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۷۴.

۵. ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۴۷۵.

در این شرایط چنددستگی در قلمروی علی علیه السلام، شامیان از نظر جامعه‌شناسی رفتاری، قبایلی بسیار به هم پیوسته و در اندیشه و رفتار خود کاملاً استوار و سرسخت بودند. به طور کلی شرایط اجتماعی دچار التهاب شده بود و بخش عمده‌ای از مردم حاضر به فداکاری برای دفاع از آرمان‌های امام علی علیه السلام نبودند. تأملی در سخنان علی علیه السلام پس از جنگ صفین خطاب به مردم کوفه، شرح آشکاری از ضعف روحیه مردم کوفه را نشانگر است؛ تا جایی که امام علیه السلام به آنان فرمود:

«يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولَ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكُمُ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَرَّثَ نَدْمًا وَ أَعْقَبَتْ ذِمًّا قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْنَتُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَّعْتُمُونِي نُعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعَصِيَانِ وَ الْخُدْلَانِ»<sup>۱</sup> ای کسانی که به ظاهر مرد هستید؛ اما در واقع بویی از مردانگی نبردید و عقل بچه‌گانه دارید. کاش نه شما را دیده بودم و نه می‌شناختم‌تان. این آشنایی برای من، به خدا جز پشیمانی و اندوه چیزی نداشت. مرگ بر شما که دلم را سراسر خون گردانیدید و سینه‌ام را از خشم و آه لبریز کردید و با نافرمانی، اندیشه‌ام را تباه ساختید.

در چنین شرایطی امام علی علیه السلام در یکی از شب‌هایی که احتمال شب قدر در آن می‌رفت [۲۱ رمضان] و حرمت بسیاری نزد مسلمانان داشت، به شهادت رسید و حرمت ماه رمضان نیز شکسته شد. رخداد شهادت خلیفه به مثابه جانشین رسمی رسول خدا صلی الله علیه و آله که دارای جایگاه قدسی بود،<sup>۲</sup> جامعه کوفه را دچار شوک بزرگی کرد و بر ضعف روحیه مردم این شهر افزود. کار چنان دشوار شد که حتی امکان دفن آن حضرت در کوفه یعنی پایتخت خلافت نبود؛ از این رو امام علیه السلام را مخفیانه، در خارج از پایتخت و در نجف به خاک سپردند. برای شناسایی طیف‌های مختلف یاران امام علی علیه السلام که همین‌ها بعد از شهادت آن حضرت در کنار امام حسن علیه السلام قرار گرفتند، لازم است به گونه‌شناسی آنان اشاره شود.

### گونه‌شناسی یاران امام علی علیه السلام در کوفه

یاران امام علی علیه السلام در شهر کوفه به چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. گروهی که در عرصه سیاسی و امور حکمرانی فعال بودند.

۱. همان، ص ۴۷۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۳۶۴.

۲. ابوزکریا یحیی ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار، ص ۲۹۷.

۲. جمعی که اهل دانش اندوزی بودند و کرسی تدریس داشتند.

۳. برخی اهل عبادت و زهد بودند و معمولاً مشغول امور شخصی بودند.

همه این گروه‌های چندگانه با شنیدن خبر شهادت آن حضرت، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. گزارش‌ها نشان می‌دهند در روز شهادت آن حضرت، مانند روز وفات رسول خدا ﷺ، شهر بزرگ یک پارچه در حزن و اندوه فرو رفت. این خبر به اندازه‌ای برای برخی از دلدادگان حضرت سنگین بود که گویا دنیا برای آنها به آخر رسیده است؛ از این رو پایان زندگی سیاسی - اجتماعی آنان با این خبر شکل گرفت و دیگر در عمل علاقه‌ای به مشارکت در امور نیافتند؛ چراکه اوضاع را از دست رفته می‌دیدند. البته بخشی از هواداران سیاسی آن حضرت، همچنان در میدان ماندند؛ ولی شمار اینان چندان زیاد نبود.

گروه اهل علم نیز با تشدید اوضاع کوفه، دامن خود را از رخدادها شسته و دیگر مانند گذشته به مشارکت نپرداختند. از نظر آنها، ماندن در فضای علمی آرامش بیشتری داشت تا ورود به فضای ملت‌هت سیاسی.

بخش دیگری از کوفیان نیز از کرده خود نسبت به علی علیه السلام پشیمان بودند؛ اما چندان میلی هم به یاری امام حسن علیه السلام نداشتند.<sup>۱</sup>

به طور کلی دیگر شیرازه امور تا حدودی به دلیل رفتار کوفیان از هم پاشیده شده بود و امام حسن علیه السلام در چنین شرایطی بر مسند خلافت می‌نشست.

|                                    |                          |
|------------------------------------|--------------------------|
| حافظ عاصمه حل و حرم                | حسن آن مظهر احسان و کرم  |
| از پی حفظ حریم اسلام               | حجت قائم حق کرد قیام     |
| هشته دین از پی دنیا رفتند          | لیک یاران دغل وا رفتند   |
| کرد تحکیم بنای اسلا                | صلح او داد به اسلام قوام |
| در دل شیفتگان جا گیرد <sup>۲</sup> | فرصتی بود که دین پا گیرد |

## حجاز

حجاز که از همان آغاز جبهه مخالفان علی علیه السلام را در خود جای داده بود، با سرآسیمگی به

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۸۲.

۲. شعر از مرحوم عابد تبریزی.

حوادث آینده می‌نگریست؛ به‌ویژه شهر مکه که چون مکان امن الهی بود و بنا بر سیاست امام علی علیه السلام در آزادگذاشتن مخالفان، این گروه در آنجا گرد آمده بودند، وقتی خبر شهادت به این شهر رسید واکنش‌های متفاوتی را از خود بروز داد: از یک‌سو آن دسته که در جنگ جمل شکست خورده و به مکه رفته بودند، آشکارا به شادی پرداختند و شعر شادمانی می‌خواندند؛<sup>۱</sup> حتی برخی به شکرانه این کار سجده کردند.<sup>۲</sup> از سوی دیگر کسانی که شتم سیاسی داشتند، دانستند تلاش آنان برای حذف علی علیه السلام اکنون با این نتیجه همراه شده است و باید معاویه‌ای را بپذیرند که هرگز برای او جایگاهی برای خلافت قائل نبودند. گرچه خبر شهادت علی علیه السلام اندیشه خلافت را در برخی مانند عبدالله بن زبیر دوباره زنده کرد؛ ولی شرایط برای این امر آماده نبود؛ زیرا نه حجاز توانی داشت که با شام درافتد و نه ظرفیت آن را داشت که از سرعت رویدادها بهره خاصی ببرد. بدین‌سان حجازیان پس از سال‌ها دشمنی با علی علیه السلام تنها نظاره‌گر رویدادهای آتی شدند و با حسرت به خلافتی که به معاویه رسیده بود، تنها به سهم‌خواهی از معاویه بسنده کردند.

### شام

انتشار خبر شهادت علی علیه السلام در شامات، موجی از شادی را به همراه داشت؛ زیرا بزرگ‌ترین رقیب آنان که سال‌ها برای نابودی سیطره معاویه تلاش کرده بود، از دنیا رفته بود. برای شامیان خاطره تلخ جنگ صفین و کشته‌های فراوان‌شان فراموش‌نشده بود؛ به همین سبب در صدر آنها معاویه با شنیدن این خبر، افزون بر اظهار شادمانی،<sup>۳</sup> کاملاً یقین یافت چند گام بلند تا خلافت فاصله ندارد؛ زیرا تنها کسی که می‌توانست معاویه را از سر راه بردارد، ترور شده بود.

معاویه با بررسی اوضاع به این نتیجه رسید آشفتگی اوضاع عراق سبب آن شده است تا وی بتواند با طرح سیاستی نرم و با کم‌ترین هزینه بتواند جهان اسلام را از آن خود کند؛ از این‌رو در نخستین گام، شامیان را یک‌پارچه نمود تا به کوفه و حجاز ثابت نماید قدرت نخست نظامی جهان اسلام آنها هستند و باید از لشکر شام ترسید. از سوی دیگر برای کسب خلافت از خود چهره‌ای صلح‌طلب، فراگیر و عرب‌گرا نشان داد و با تحریک حس عربی عراقیان، تلاش کرد آنان را بار دیگر به سنت عربی «برتری عرب بر عجم» فرابخواند؛ چراکه یکی از چالش‌های زمان

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۵۰.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۵.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

خلافت امام علی علیه السلام با قبایل عربی این بود که آن حضرت زیر بار تفکر جاهلی برتر بودن عرب بر عجم نرفت و در همه امور اعم از تقسیم بیت المال و توجه به مردم، به اصل برابری پای بند بودند. بدین سان از این زمان به بعد به مدت چندماه پیک‌های آشتی معاویه به سوی کوفه، حجاز و سایر سرزمین‌های اسلامی، پیام صلح و یک‌دستی را منتقل می‌کردند تا بتوانند از طریق جلب نظر بزرگان و فرماندهان، خلافت اموی را پایه‌ریزی نمایند.

گفتنی است معاویه از همان زمانی که شامات را در دست گرفت، با طرح این دیدگاه که «ما اهل بیت و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم»، به شامیان باورانده بود او شایسته‌ترین فرد از نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله برای حکومت است و با این کار نظر کسانی که انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها دلیل حق حاکمیت می‌دانستند، جلب کرده بود.<sup>۱</sup>

### بصره

بصره از شهرهای بزرگ عراق بود که هم‌تراز با کوفه تا پیش از خلافت علی علیه السلام رقیب بزرگی برای شام دانسته می‌شد؛ اما پس از جنگ جمل و شکست خوارکننده آن، این شهر از نظر فکری به شام نزدیک شد و در صف مخالفان علی علیه السلام قرار گرفت؛ به گونه ای که درباره این شهر گفته شده است: «قطعه‌ای از شام است که در عراق به وجود آمده است».<sup>۲</sup>

این شهر که تا پیش از این یکی از اصلی‌ترین مراکز ارسال نیرو برای سرکوب مخالفان بود، از زمان جنگ جمل به بعد نه تنها با کوفه همراهی نکرد که خود دشمنی کینه‌توز شد و این انتقام را زمانی از کوفه گرفت که به همراه سپاه مصعب در جنگ با مختار در سال ۶۷ قمری، کوفه را فتح کرد و شش هزار نفر از هواداران علی علیه السلام را اعدام کرد.<sup>۳</sup> طبیعی است که رسیدن خبر شهادت امام علی علیه السلام به این شهر، موجب شادمانی قبایل بازنده جمل شد و آنها در کمک به معاویه برای شکست کوفه و تحمیل صلح، نقش پررنگی ایفا کردند. ناگفته نماند بعدها در جریان شکل‌گیری نحله‌های فکری در جهان اسلام، بصره از جمله مناطقی بود که در صف مخالفان فکری علی علیه السلام قرار گرفت و با طرح اندیشه‌های خاص خود همواره در این فکر بود که به مخالفت خود با علی علیه السلام رنگ علمی ببخشد.

۱. ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۶، ص ۱۶۰.

۲. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۳۲.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۱۱۶.

## جزیره

منظور از «جزیره» منطقه‌ای جغرافیایی واقع در بخشی از کردستان عراق و سوریه و ترکیه است که بین کوه‌های آناتولی و رودهای دجله و فرات قرار گرفته‌اند. با آغاز فتوحات اسلامی، این مناطق گسترده به تصرف مسلمانان درآمد؛ اما به دلیل جغرافیای کوهستانی آن، دولت اسلامی چندان در سیطره فرهنگی بر آن موفق نبود. این منطقه در جریان شهادت علی علیه السلام چندان تحرکی از خود نشان نداد؛ زیرا گرچه این مناطق بخشی از قلمروی خلافت اسلامی به شمار می‌رفتند، به دلیل تفاوت فرهنگی، زبانی و اعتقادی - هنوز عمدتاً زرتشتی بودند - ارتباط خاصی با امام علی علیه السلام نداشتند و بر این اساس واکنش خاصی از ایشان نقل نشده است. حتی از نظر مردم این منطقه، شهادت خلیفه مسلمانان و تنش در پایتخت، بستر مناسبی برای شورش‌های محلی علیه فرمانروایان مسلمان با هدف بنیان‌گذاری حکومتی محلی بود.

## ایرانیان

با فتح ایران از عصر خلیفه دوم، شهر کوفه در حالی ساخته شد که بسیاری از ایرانیان ساکن در قلمروی غربی دولت ساسانی یعنی تیسفون و اطرافش، وارد کوفه شده و در این شهر می‌زیستند. آنان در عصر علی علیه السلام به دستگاه خلافت نزدیک شده و علاقه خاصی به علی علیه السلام پیدا کرده بودند؛ زیرا روش او را در تقسیم مساوی بیت‌المال و تفاوت‌نگذاشتن میان عرب و عجم، هم تازگی داشت و هم بسیار جذاب بود؛<sup>۱</sup> از این رو در مجالس امام علیه السلام حاضر می‌شدند، تا جایی که شدت علاقه علی علیه السلام به ایرانیان موجب برانگیختن حسادت برخی از اطرافیان آن حضرت مانند اشعث بن قیس شد. او به امام علیه السلام اعتراض کرد: چرا این قدر اینها را به خود نزدیک می‌کنی؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «شما با شکم گنده [کنایه از راحت‌طلبی] در حال وقت‌گذرانی هستید؛ اما آنها [ایرانیان] در هوای گرم برای خدا فعالیت می‌کنند ... به خدا روزی را می‌بینم که آنها، شما را به اسلام فرا می‌خوانند».<sup>۲</sup>

از سوی دیگر ایرانیان بیشتر بخش اقتصادی عراق به‌ویژه در کوفه را اداره می‌کردند و بیشتر بازاریان کوفه ایرانی بودند.<sup>۳</sup> طبیعی است که شنیده‌شدن خبر شهادت علی علیه السلام، سرمایه بازاریان را در برابر تهدیدی بزرگ قرار دهد و آن تهدید احتمال غارت کوفه از سوی شامیان بود؛ از این رو این

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۵۵۷.

۲. ابراهیم بن محمد تقی، الغارات، ج ۲، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۰.

طیف تاجران تلاش می‌کردند تا قائله به گونه‌ای نسبت به خودشان و سرمایه‌شان ختم به خیر شود؛ بنابراین صلح با معاویه از نظر اینان بهترین گزینه بود؛ چراکه با توجه به آشفتگی اوضاع کوفه هنگام شهادت علی علیه السلام، دیگر چندان امیدی به استقرار دوباره اوضاع نبود. میان منابع تاریخی، دو طیف دیگر نیز از کسانی که خبر شهادت امام علیه السلام را دریافت کردند و واکنش خاصی نشان دادند، دیده می‌شود که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد:

### بنی هاشم

بنی هاشم به طور کلی به دلیل انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله پس از کشته‌شدن امام علی علیه السلام دچار اندوه شدیدی شدند. از یک‌سوریاست آنها بر جهان اسلام خدشه‌پذیر شده بود و از سوی دیگر این خاندان یکی از شخصیت‌های بی‌نظیرش که جایگاه ریاست قبیله را نیز داشت، از دست داده بود. گرچه بنی هاشم به طور کلی تلاش کردند در کنار امام حسن علیه السلام دوباره شکوه این خاندان را بازیابی نمایند؛ اما پیوستن عبیدالله بن عباس [پسر عموی علی علیه السلام به عنوان فرمانده سپاه امام حسن علیه السلام] به معاویه، پایانی تلخ بر جایگاه سیاسی این خاندان بود. البته شماری از بنی هاشم علاقه بسیاری به امام علی علیه السلام داشتند؛ برای نمونه این محبت در عبدالله بن عباس به اندازه‌ای بود که وی در همان شب شهادت امام علی علیه السلام صاحب پسری شد و نامش را علی گذاشت. بعدها معاویه از او خواست نام این فرزند را به معاویه تغییر دهد؛ اما عبدالله زیر بار نرفت.<sup>۱</sup> گفتنی است از میان بنی هاشم، عقیل برادر آن حضرت، بعد از انتقال پایتخت به کوفه در مدینه ماند و در هیچ‌یک از جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر نشد.<sup>۲</sup>

### خوارج

ترور امام علیه السلام به دست خوارج آن هم با نام دین، نوعی چالش ذهنی برای طیفی از مردم ایجاد کرد. سؤال اصلی این بود که چرا مسلمانانی که از یک کتاب دینی بهره می‌برند، تا این اندازه تفاوت برداشت از متن دینی خود دارند که مستند بر همین کتاب همدیگر را می‌کشند؟ جمله این ملجم هنگام ترور امام علیه السلام که بخشی از آیه ۵۷ سوره انعام را با مطالبی از خود درآمیخته و گفته بود «الحکم لله یا علی لا لک و لاصحابک»<sup>۳</sup> فرمانروایی از آن خداست نه توای علی و نه

۱. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۹۲.

۲. زبیر بن بکار، الأخبار الموفقیات، ص ۳۳۴.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۴۶.



یاران؛ برداشت کاملاً نادرست خوارج از قرآن را به دست می‌داد؛ در حالی که علی علیه السلام به درازای تاریخ اسلام از بعثت تا هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در کنار پیامبر و در مسیر آن حضرت گام برداشته بود و در واقع شماری از آیات الهی در شأن آن حضرت نازل شده بود؛ تاجایی که میان صحابه معروف بود: «ما نزل في أحد من القرآن ما نزل في علي بن أبي طالب»<sup>۱</sup>؛ یعنی [از میان صحابه] درباره هیچ کس به اندازه علی علیه السلام آیه نازل نشد.

خوارج گرچه بیشترشان در جنگ نهروان کشته شدند، هشت هزار نفری از آنان که از سپاه خوارج جدا شدند، همچنان حامل این تفکر بودند. این گروه هنگام صلح امام حسن علیه السلام نیز در کوفه حضور داشتند.<sup>۲</sup> جالب آنکه از یک سو امام علی علیه السلام را به شهادت رساندند و امام حسن علیه السلام را زخمی کرده بودند، از طرف دیگر آن حضرت را نکوهش می‌کردند که چرا صلح را پذیرفته است؟ امام علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود: «آنچه مرا وادار به این کار [صلح با معاویه] نمود، این بود که شما پدرم را به شهادت رساندید و به روی من شمشیر کشیدید و مرا مجروح ساختید و اموالم را غارت کردید. شما وقتی به سوی صفین حرکت کردید، دین شما جلودار دنیاتان بود؛ در حالی که امروز دنیای شما جلودار دین‌تان است».<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی شرایط جهان اسلام پیش از شهادت امام علی علیه السلام نشان می‌دهد، فقدان درک سیاسی - اجتماعی درست (بصیرت) یاران امام علیه السلام را دچار چنددستگی کرد. این به هم‌ریختگی و نابسامانی در زمانه امام حسن علیه السلام نیز ادامه یافت و فریب‌کاری بنی‌امیه نیز بر این امر تأثیر نهاد و با بیم از حمله سپاه شام و امید به عطایای معاویه و جان‌به‌در بردن از شرایط پیش‌آمده، بسیاری در برابر معاویه تسلیم شدند و در عمل امکان جنگ با معاویه از بین رفت. در چنین شرایطی امام حسن علیه السلام از سوی خوارج زخمی شد و مدت‌ها بستری گردید که همین موضوع نیز بر التهاب بیشتر اوضاع تأثیر نهاد؛ سرانجام آن حضرت چاره‌ای جز پذیرش صلح‌نامه را در برابر خود ندیدند.

۱. عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۷۸-۷۹.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۲۸۹.

## فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله؛ شرح نهج البلاغة؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ چ اول، قم: مكتبة آیت الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ کتاب الفتح؛ تحقیق: علی شیری؛ چ اول، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن بطریق، یحیی بن حسن؛ عمدة عیون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار؛ قم: جماعة المدرسين بقم، ۱۴۰۷ ق.
۴. ابن بکار، زبیر؛ الاخبار الموفقیات؛ تحقیق: سامی مکی عانی؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۴ ش.
۵. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الكبرى؛ تحقیق: محمد عبدالقادر عطا؛ چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛ تحقیق: علی شیری؛ چ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین؛ الأغاني؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۸. \_\_\_\_\_؛ مقاتل الطالبیین؛ بیروت: دار المعرفه، [بی تا].
۹. بلاذری، احمد بن یحیی؛ کتاب جمل من انساب الأشراف؛ تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد؛ الغارات؛ تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی؛ تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۱. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تحقیق: محمدباقر محمودی؛ چ اول، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الأمم و الملوك؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق: جمعی از محققان؛ چ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.